

جغرافیای تات‌ها

بررسی پراکنش جغرافیایی تات‌زبان‌ها در استان قزوین

● دکتر محمد طاهر خانی
دبیر دبیرستان‌های تاکستان

● چکیده

زبان به‌عنوان

هسته اصلی

فرهنگ، رابطه نزدیکی

با سایر پدیده‌های فرهنگی و

اجتماعی دارد. به بیان دیگر، ساختار

اقتصادی، طرز تفکر، آداب و سنن، دانش

قومی و فرهنگی در هر جامعه‌ای ناشی از

زبان آن جامعه است. در واقع، هر گونه نشانه‌ای

که شخص به وسیله آن بتواند حالت‌ها یا مفاهیم

موجود در ذهن خود را به ذهن دیگران انتقال

دهد. زبان خوانده می‌شود (ناتل خانلری، ۱۳۷۱).

زبان، دریچه‌ای است رو به جهان. انسان از طریق

زبان با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و در بستری به

کارگیری زبان به تبیین خود می‌پردازد. زبان،

سیستمی از نمادهای قراردادی است. برای

برقراری ارتباط با دیگران (فراور، ۱۳۷۹).

به عبارت دیگر، زبان شامل مجموعه‌ای از

نمادهای قراردادی است که باید فراگرفته شوند و

زمانی که براساس اصول و قواعد دستوری معین کنار هم

گذاشته شوند، انتقال پیام‌های پیچیده را فراهم می‌سازند

(بیستس، ۱۳۷۵). عمده‌ترین ابزار انتقال دانش فرهنگی و دیگر

جنبه‌های ذهنی فرهنگ، زبان است. به همین سبب ارتباط بین زبان

و فرهنگ از دو جنبه تأثیر فرهنگ بر زبان و تأثیر زبان بر فرهنگ، شایان

توجه و بررسی است، چراکه با تحلیل زبان یک قوم، تا حدود زیادی می‌توان

به محتوای فرهنگی آن قوم پی برد. آشکارترین رابطه میان زبان و فرهنگ

در فرهنگ واژگان دیده می‌شود. واژگان زبان، حوزه‌هایی را بیان می‌کند که

در یک فرهنگ وجود دارند و آن حوزه‌هایی که با واژگان فراوانی مشخص

شده‌اند، حوزه‌هایی هستند که برای آن فرهنگ اهمیت بسیار دارند. تأثیر

دیگر فرهنگ بر زبان، بستری کاربرد و محتوای کاربرد آن در سخن و گفتار

به‌عنوان بعد عینی زبان مطرح است. تات‌ها هم مانند برخی از اقوام دیگر

ایرانی برای خود، زبان فولکور، جهان‌بینی، احساس و عاطفه دارند؛ زبانی

دارند به دبیرنگی زبان ماد و فولکور بس قدیم و لبریز از احساس و آداب و

رسمی ریشه‌دار و شایان پژوهش.

کلیدواژه‌ها: تات، پراکنش جغرافیایی، تات‌زبان، قزوین، تاکستان، الموت.

ویژگی‌های زبانی تات‌ها

زبان تاتی یکی از گویش‌های بسیار قدیمی و پیشینه‌دار است. این امر با توجه به پیشینه تاریخی این گویش و نزدیکی ساختمان نحوی و آوایی آن با زبان‌های کهن ایرانی مانند پهلوی، فارسی باستان و مادی، قابل اثبات است (رحمانی، ۱۳۸۱). گویش تاتی تاکستان، خود شامل لهجه‌های متعددی چون اشتهاردی، رامندی، چال (شالی) و غیر آن‌ها از گروه شمالی زبان‌های غربی است. (یارشاطر، ۱۳۳۷). از این نظر زبان تاتی با زبان‌های فارسی باستان، مادی، فارسی میانه و پهلوی که متعلق به دسته غربی است، در پیوند است. پروفیسور هنینگ^۱ درباره زبان‌های باستانی آذربایجان می‌نویسد: «لهجه تاکستانی از جهتی با سمنانی و از جهتی با تالشی شبیه است». برخی گمان کرده‌اند که لهجه «زازا» از زبان کردی که شبیه تات و تالشی است، از لهجه‌های مردم کوه‌نشین دیلم بوده و بعداً به غرب رفته است. بنابراین می‌توان زبان‌های هرزنی، گرنیکانی، خلخالی، تالشی، زازا، تاکستانی و سمنانی را یک رشته از زبان‌ها و لهجه‌های پیوسته شمرد که از طرفی با لهجه‌های سواحل کاسپین و از سوی دیگر با لهجه‌های مرکزی ایران ارتباط داشته‌اند. نکته دیگر اینکه همه زبان‌های ایرانی دوره باستان، ترکیبی تصریفی^۲ بوده‌اند (صفوی، ۱۳۶۷) که به مرور حالت ترکیبی خود را از دست داده و به صورت تحلیلی^۳ درآمده‌اند. اما تاتی تاکستان هنوز به صورت یک زبان کاملاً تحلیلی در نیامده است. زیرا اسم، صفت، ضمیر، برخی از حالت‌های هفت یا هشت‌گانه را حفظ کرده و دارای جنس مذکر و مؤنث است.

واژه تات داستان درازی دارد و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی برای آن بیان شده است. دانشمندان ایرانی و بسیاری از شرق‌شناسان درباره ریشه و معانی آن بسیار سخن گفته‌اند، ولی آنچه مسلم است اینکه تاتی یک زبان است و اگرچه امروزه از گستردگی آن کاسته شده، اما روزگاری دراز در بسیاری از مناطق پهناور سیطره داشته و هنوز هم به حیات خود در پهنه این سرزمین ادامه می‌دهد. در اینجا بی‌مناسبت نیست که به ریشه و سابقه واژه تات پرداخته شود. تات کلمه‌ای ترکی است که به خارجی‌ان ساکن مناطق تحت نفوذ و تصرف ترکان اطلاق شده و نیز برای گروه‌های مختلف از اقوام غیر ترک به کار رفته است (معین، ۱۳۶۴). تات در سرزمین‌های ترک‌نشین برای کسانی به کار می‌رود که به یکی از زبان‌های ایرانی سخن می‌گویند، مانند مردم خلخال، الموت، تاکستان، اشتهارد و غیره (همان). در قفقاز کلمه تات به اقوام ایرانی مقیم آنجا که به لهجه تاتی سخن می‌گویند، اطلاق می‌شود. به برخی از طوایف ایرانی قسمت شمال غربی ایران شامل آذربایجان و حدود آن که آن‌ها هم تاتی است، تات اطلاق می‌شود. تات به قومی فارسی‌زبان و طایفه‌ای از ایرانیان ساکن ولایات شمالی که به لهجه محلی سخن می‌گویند، گفته می‌شود. در قفقاز، به آن قسمت از ایرانیانی که هنوز زبانشان فارسی باقی مانده، تات می‌گویند (دهخدا، ۱۳۳۵). تات در زبان ترکی جغتایی به معنای تبعه است. ترکان بیابان گرد جغتایی که به زندگی کوچ‌نشین خود افتخار می‌کردند، به مردمان اسکان یافته تات می‌گفتند. تات نامی است که به بخش گسترده‌ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق می‌شود. تات نه یک قوم و نه یک طایفه‌اند، بلکه جماعات مختلفی از ایرانی‌زبانان هستند که اطلس پراکندگی آن‌ها از داغستان، شیروان، آذربایجان، زنجان تا سمنان و خراسان را در برمی‌گیرد (عبدلی، ۱۳۸۹). مردم کرانه جنوبی رود ارس، مردمی را که از پل خداآفرین به آن‌سو، یعنی مردمی که در دشت مغان و آستارا سکونت دارند، با آنکه به زبان ترکی سخن می‌گویند، کرد و از پل به این سو، یعنی اهالی جلفا و ماکو را تات می‌نامند.



مادها قومی بودند آریایی، ساکن شمال و مغرب ایران، تاکستان از نظر جغرافیایی ناحیه‌ای بوده که در مرکز ماد سفلی، قرار داشته است (دیاکونوف، ۱۳۵۷). بنابراین می‌توان گفت مادها که هروودوت، مورخ یونانی آن‌ها را به شش طایفه پوز، پارتاسن، استروخات، بودین، آریزانت و مغ تقسیم کرده است، در این ناحیه سکونت داشته‌اند و به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که امروزه به تاتی مشهور است. تات نامی است که به بخش گسترده‌ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق می‌شود.

محققان و زبان‌شناسان، تاتی را زبان مادها می‌دانند و چون تاکستان یکی از اصلی‌ترین مراکز سکونت تات‌ها از نظر جغرافیایی ناحیه‌ای بوده که در مرکز ماد سفلی قرار داشته و جزء سرزمین وسیع ماد به شمار می‌رفته است، بنابراین می‌توان گفت که مادها در این ناحیه سکونت داشته‌اند و به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که امروزه به زبان تاتی مشهور است. (رحمانی، ۱۳۹۰).

با توجه به پیشینه تاریخی این زبان و نزدیکی ساختمان نحوی و آوایی آن با زبان‌های کهن ایرانی، مانند پهلوی و فارسی باستان و مادی، می‌توان اثبات کرد که این گویش از گروه شمالی زبان‌های غربی است و از این نظر با زبان‌های فارسی باستان، مادی، فارسی میانه و پهلوی که متعلق به دسته غربی هستند، در پیوند است (رحمانی، ۱۳۹۰).

تات‌ها مینا و مایه خود را کاملاً حفظ کرده‌اند و این مطلب را با مقایسه واژه‌های ضبط‌شده از مادها و زبان تاتی تاکستان بیشتر می‌توان مورد تأمل قرارداد (رحمانی، ۱۳۹۰). دیاکونوف در تاریخ ماد خود، زمانی که به مبحث زبان‌شناسی مادها می‌پردازد اعتقاد دارد «هنوز هم تات‌ها و تالش‌ها و گیلک‌ها و مازندرانی‌ها به لهجه‌هایی سخن می‌گویند که خود بقایایی از زبان‌های هند و اروپایی، به شمار می‌رود و در آغاز، زبان ماد شرقی بوده است. امتیاز ویژه این لهجه‌ها کهنگی و مهجوری ترکیب اصوات است که در بسیاری از موارد با زبان فارسی تفاوت داشته و با مادی، پارتی و اوستایی شباهت دارد.

بدین سبب اگر تات‌ها و تالش‌ها

را مادها بی‌بدانیم که به زور

پارسی شده‌اند، کاملاً راه

خطا پیموده‌ایم.» جلال

آل احمد نیز بر مادی

بودن زبان تاتی

تأکید دارد

و

می‌توان گفت مادها که

هروودوت، مورخ یونانی آن‌ها

را به شش طایفه پوز، پارتاسن،

استروخات، بودین، آریزالت و مغ

تقسیم کرده است، در این ناحیه سکونت

داشته‌اند و به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که

امروزه به تاتی مشهور است. تات نامی است که به

بخش گسترده‌ای از جامعه ایران بزرگ اطلاق می‌شود.

تات‌ها جماعات مختلفی از ایرانی زبان‌ها هستند که اطلس

پراکندگی آن‌ها از داغستان، شیروان، آذربایجان، قزوین و زنجان

تا سمنان و خراسان را در برمی‌گیرد. در این بین، استان قزوین یکی از

مهم‌ترین مراکز سکونت تات‌هاست

می‌نویسد «اگر چه همه تات‌ها ترکی می‌دانند، ولی کمتر لغت ترکی در زبان خودشان به کار می‌برند، اما ترک‌ها حداقل دو دهم لغات اصلی زبانشان همان لغات تاتی و فارسی است.» به عقیده دکتر یارشاطر «در نواحی شمال غربی ایران زبان‌های رایج اکثر ایرانیان ترکی است، ولی در گوشه و کنار این سرزمین هنوز گروه‌هایی هستند که به زبان کهن‌تر این سامان سخن می‌گویند. اغلب این زبان‌ها با وجود اهمیتی که دارند هنوز انتشار نیافته‌اند» این زبان‌ها در سرزمینی که میان رود ارس در شمال، سمنان و سنگسر در شرق و حدود ساوه و همدان در جنوب و غرب گسترده شده، پراکنده‌اند و با یکدیگر رابطه‌ای قوی دارند و اکثر آن‌ها را می‌توان در یک گروه قرار داد. از آنجا که سرزمین این زبان‌ها در ماد قدیم قرار دارد و قواعد صوتی و دستوری آن‌ها نیز منافی با آنچه از زبان مادها می‌دانیم نیست، به جا خواهد بود اگر این زبان‌ها را به عوض تاتی که نارساست و ظاهراً ترک زبان‌ها آن را مصطلح کرده‌اند، مادی بخوانیم، به ویژه آنکه در تاریخ ایران دلیلی در دست نیست که تات‌زبان‌های این نواحی از محل دیگری به این سرزمین کوچ کرده باشند و تردیدی نیست که لهجه‌های ایرانی این نواحی به جز فارسی و کردی بازمانده لهجه‌های مادهاست که تاکنون در نواحی دورافتاده و در پناه کوهستان‌ها یا در میان گروه‌هایی که نیرو و استقلال فکری بیشتری داشته‌اند. دوام یافته است.

تاتی زبانی نسبتاً محافظه‌کار است و بسیاری از خصوصیات کهن‌تر لهجه‌های مادی را حفظ کرده است. در ادامه و در تأیید مباحث فوق، جلال آل احمد نیز اشاره می‌کند که «تاتی مسلمان یکی از لهجه‌های قدیمی زبان فارسی است و اگر اقوال شرق‌شناسان و زبان‌شناسان را ملاک بدانیم، آثاری از زبان قدیمی اقوام ماد در آن باقی مانده است.» از دیگر ویژگی‌های این زبان که از قدمت و اصالت نژادی مردم تات زبان حکایت دارد این است که در لغات این زبان ویژگی جنسیت (مذکر و مؤنث) وجود دارد و افعال به تناسب جنسیت صرف می‌شوند. این خصوصیت نشانه‌های روشن و ارزشمندی است که مبین قدمت و ظرافت این زبان است. نکته دیگر اینکه اسامی مؤنث اعم از اسامی انسان‌ها، حیوانات، نباتات و میوه‌ها همگی قدرت زایش و باروری دارند و می‌توانند مشابه خود را بسازند، مانند کلمه «ویمه» برای میوه بادام با کلمه «اریمیه» برای میوه گل‌ابی. از ویژگی‌های دیگر این زبان قدرت واژه‌سازی آن است که برای ابزار و وسایل کشاورزی به کار برده می‌شود به‌عنوان مثال برای وسیله کشاورزی خرمن‌کوب که خود از شانزده قطعه ساخته شده تماماً از کلمات تاتی استفاده شده یا برای واحد وزن مقیاس‌های بسیار ریز تا سنگین وزن معادل تاتی در زبان تاتی وضع شده است (رحمانی، ۱۳۹۰).

تفاوت گویش تاتی به حدی است که در عین شباهت‌های ملموس، حتی ممکن است تاتی یک محل در جای دیگری از مناطق تات‌نشین اصلاً مفهوم نباشد، مثلاً تات‌های تاکستان تاتی قفقاز رانمی‌فهمند یا در منطقه تات‌نشین تاکستان با وجود فاصله بسیار نزدیک تاکستان با اسفرورین‌شال و خیارج، آن‌ها در برخی لغات و اصطلاحات و حتی لهجه با یکدیگر تفاوت دارند. با این حال، این موضوع مانع از آن نیست که نتوانیم تاتی را یک زبان واحد در نظر بگیریم.

تات‌های استان در شهرستان تاکستان و در بخش اسفرورین، شهر اسفرورین و روستای قرقسین، در شهرستان بویین‌زهر، شهرهای شال، دانسفهان و روستاهای خیارچ، خوزنین، خروزان، ابراهیم‌آباد، سگزآباد و در شهرستان قزوین، زیاران و بخش الموت به مرکزیت معلم کلایه در حدود ۸۹

روستا و بخش رودبار به مرکزیت رازمیان با بیش از ۱۰۰ روستا پراکنده‌اند و بیشتر ساکنان این مناطق به تاتی سخن می‌گویند و به آداب

و رسوم و نیز فرهنگ و زبان خود که ریشه در تاریخ باستان و پیش از تاریخ دارد، پای‌بندند

تأثیرات جغرافیایی زبان تات

کسانی که به نام تات خوانده می‌شوند، در واقع بازمانده اقوام ایرانی ساکن در مسیر حرکت و استقرار قبائل ترک‌اند. این ترکان عمدتاً از زمان غزنویان به بعد و به‌ویژه در دوره سلجوقیان و مغولان وارد ایران شده‌اند و بیشتر در شمال و شمال غرب ایران سکونت یافته‌اند. اقوام ایرانی موجود در این محدوده در سایه قدرت یافتن زبان ترکی به علت حمایت حکومت‌های ترک همچون سلاجقه و ایلخانان و آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها و صفویان به تدریج زبان خویش را به فراموشی سپردند و به زبان ترکی تکلم کردند، اما عده‌ای از آن‌ها همچنان بر زبان ایرانی خویش اصرار ورزیدند و به شکل جزیره‌های زبانی به حیات خود ادامه دادند. این عده همچنان با عنوان تات خوانده می‌شوند. این جزیره‌های سکونتی متمرکز نیستند و در گستره ساحل غربی دریای خزر تا همدان و حتی در مسیر شرقی تا سمنان و خراسان قرار گرفته‌اند، ساکنان آن‌ها یک قومیت و نژاد خاص را تشکیل نمی‌دهند و حتی زبان و گویش یکسان نیز ندارند، بلکه باقی‌مانده اقوام متفاوت ایرانی هستند که همه آن‌ها با کمی مسامحه به نام تات خوانده می‌شوند. در واقع، تاریخ ایران زمین قومی به نام تات را نمی‌شناسد، بلکه این نامی است که سائیرین به ایرانیان داده‌اند (بابایی کهن). در مرزهای شمال شرقی تا شمال غربی ایران به استثنای حواشی نفوذناپذیر دریای خزر، اقوام متعددی با لهجه‌ها و گویش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود زندگی می‌کردند. در ناحیه شرق، فارسی دری که مورد توجه ویژه ساسانیان بوده، زبان‌های بومی مانند سغدی و خوارزمی را از واپسین سنگ‌های حیات خود بیرون رانده است. در نواحی شمال و شمال غرب، شاخه‌های متعدد زبان موسوم به پهل و پهلوانیک، رنگ و بومی دیرینه، خود را از دست داده و روند آمیزش با پارسی عامه و پارسی دری را طی کرده است. گفتنی است که همه آن شاخه‌ها نام واحدی نداشتند، بلکه هر یک موسوم به نام قوم یا منطقه‌ای بودند. زمانی که تاتاران دسته‌دسته از راه می‌رسیدند و درفش حکومتی برمی‌افراشتند، دیگر دولت مرکزی مقتدری مانند پارسیان و پارتیان وجود نداشت که به جماعت پراکنده هویت ملی واحدی ببخشد تا لهجه‌ها و گویش‌هایشان تحت نام مشترکی در برابر زبان مهاجمان قرار گیرد. از این رو کلمه تاتی

به مثابه نامی مشترک برای تمامی لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، بی‌هیچ مشکلی جایگزین و مصطلح شد (عبدلی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

از جغرافیای مسکن و شمار تات‌های کنونی آمار دقیقی در دست نیست، اما براساس نظر پژوهشکده تات‌شناسی تاکستان، محل‌های سکونت تات‌های ایران در تاکستان، بوئین‌زهر، شال، دانسفهان، اسفرورین، رامند، طالقان، رودبار، الموت و به‌ویژه در روستای گازرخان، منطقه پشگل‌دره آبیگ در قزوین و چند روستا در بخش شاهرود خلخال و رودبار گیلان، هرزند و کرینگان و گلین‌قیه در مرند، نوز و حسنو در قره‌داغ، بخش جرگلان از توابع بجنورد و برخی از روستاهای خط مرزی ترکمنستان است، اما بیشترین سهم از آن شهرستان تاکستان در استان قزوین است، که تات‌ها بیش از ۶۰ هزار نفر از جمعیت ۱۶۰ هزار نفری آن را تشکیل می‌دهند و پس از آن شهرستان بویین‌زهر با حدود ۲۰ هزار نفر قرار دارد. (نوازی، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

رابطه سه‌گانه، بستگی قومی (جغرافیا، زبان و دین) در میان تات‌ها به طرز بارزی معنادار است. تات‌ها عمدتاً در استان قزوین و در شهرستان تاکستان سکونت دارند. ۸۶/۳ درصد آنان در منزل و با خانواده خود به زبان تاتی، ۹ درصد با زبان فارسی، ۳ درصد با زبان آذری و ۱/۷ درصد با زبان گیلکی صحبت می‌کنند. ۶۷/۲ درصد از تات‌ها تمایل به ازدواج با تات‌های دیگر دارند، ۷۷/۷ درصد تات‌ها خود را وابسته به قومی به نام تات می‌دانند و ۶/۸ درصد از آنان خود را وابسته به قوم ماد می‌دانند. دین و مذهب تات‌های این منطقه اسلام، زرتشتی، مسیحی و یهودی و میزان تعهد به مذهب ۶۶/۳ درصد در حد زیاد است. نتیجه کلی تحقیق نشان می‌دهد که به ترتیب سه عنصر آگاهی قومی، خودشناسی قومی و نگرش‌های قومی شکل گرفته و هر قدر زمان می‌گذرد، از شدت عنصر سوم و تا حدی نیز از شدت عنصر نخست کاسته می‌شود، همچنان که با گذر زمان، عنصر چهارم یعنی رفتار قومی به فراموشی سپرده می‌شود و تات‌ها الگوی متفاوتی را در رفتار خود دنبال نمی‌کنند (نوازی، ۱۳۸۶: ۱۳۵ - ۱۳۱). بنابراین می‌توان گفت که تاتی یک زبان واحد نیست، بلکه تاتی‌های مختلف یادگارهای زبان‌ها و گویش‌های قدیمی ایرانی هستند که تا آمدن ترکان نوعی حیات داشته‌اند و پس از ورود و سکونت ترکان، نتوانسته‌اند به‌صورت گسترده و در تمامی حوزه سرزمین خود به حیاتشان ادامه دهند. تاتی‌ها در یک عکس‌العمل انقباضی نسبت به حضور و گسترش زبان میهمان یعنی ترکی در جزیره‌های محدود جغرافیایی و زبانی تا به امروز زنده مانده‌اند. و البته چون این گویش‌ها خود شاخه‌هایی از زبان ایران باستان بوده‌اند. بنابراین امروزه تاتی‌های مختلف در عین اینکه تفاوت‌های فراوان دارند، شباهت‌های زیادی نیز دارند تا جایی که دیگران همه آن‌ها را با یک نام یعنی «تاتی» می‌خوانند.

پراکنش زبانی تات‌ها در استان

در استان قزوین، چندین شهر، بخش و روستا هنوز هم به فرهنگ و زبان اصیل ایرانی خود پایبند و به زبان تاتی تکلم می‌کنند. گستردگی ارتباطات تلفیق و نزدیکی فرهنگ‌ها

و زبان‌های دیگر از جمله فارسی نو و ترکی، باعث شده است که ساکنان مناطق تات‌نشین در گفت‌وگوهای روزانه خود، برخی از واژگان آن زبان‌ها را به کار ببرند، اما زبان بیشتر آنان تاتی است. تات‌های استان در شهرستان تاکستان و در بخش اسفرورین، شهر اسفرورین و روستای قرقسین، در شهرستان بوبین‌زهر، شهرهای شال، دانسفهان و روستاهای خیارچ، خوزنین، خروزان، ابراهیم‌آباد، سگزآباد و در شهرستان قزوین، زیاران و بخش الموت به مرکزیت معلم کلایه در حدود ۸۹ روستا و بخش رودبار به مرکزیت رازمیان با بیش از ۱۰۰ روستا پراکنده‌اند و بیشتر ساکنان این مناطق به تاتی سخن می‌گویند و به آداب و رسوم و نیز فرهنگ و زبان خود که ریشه در تاریخ باستان و پیش از تاریخ دارد، پای‌بندند.

واژگان زبان تاتی، پیوندهای ساختاری عمیقی با زبان‌های کهن ایران، از جمله اوستایی، مادی، پهلوی، اشکانی و پهلوی ساسانی و حتی اشتراکاتی با زبان‌های سکایی، انشانی دارد. بنابراین با توجه به آثار باستانی و اشیای به‌دست آمده از حفاری‌ها و قدمت زبان تاتی و کهنگی واژه‌های آن، می‌توان گفت که تات‌ها قدیمی‌ترین ساکنان این سرزمین و از نژاد مادها، قوم بزرگ آریایی هستند. از نژادهای ایرانی، آریایی تبار ساکن در استان می‌توان کردها، لرها، مراغی‌ها و تات‌ها را نام برد که تات‌ها جزو اولین گروه‌های مهاجر آریایی در این منطقه هستند.

جاده قدیم قزوین - همدان و آزادراه (قزوین - زنجان) به آن وصل می‌شود. شهر تاکستان در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی قزوین و در محور ترانزیتی قزوین - همدان و قزوین - زنجان واقع شده است. فاصله شهر تاکستان تا تهران ۱۸۵ کیلومتر و فاصله هوایی آن تا تهران ۱۴۹ کیلومتر است. این شهرستان از شمال به کوهین و جاده ترانزیت، از شرق به قزوین، از جنوب به دانسفهان، بوبین‌زهر و ساوه و از غرب به شهرستان ابهر در استان زنجان محدود است (علی‌محمدی، ۱۳۸۴). ساکنان اصلی این شهر به زبان تاتی سخن می‌گویند. آثار به‌دست آمده از تپه‌های باستانی شهر حاکی از قدمت این سرزمین است که به تاریخ پیش از اسلام برمی‌گردد. از آثار باستانی آن می‌توان مسجد شاه‌عباس مسجد سرخندق، امام‌زاده فارس‌جین، تپه باستانی خندا، تپه باستانی خله‌کوه، استراحتگاه رضاشاه که اکنون به ساختمان بانک ملی شعبه مرکزی تبدیل شده است، مقبره پیر، حمام شاه‌عباس، قزقلعه و غیره را نام برد. وجود باغ‌های فراوان انگور، این شهر را به همین نام شهرت بخشیده است. تاکستان را با پیشینه‌ای ۷۰۰۰ ساله جزء قدیمی‌ترین شهرهای ایران و جهان می‌دانند. این منطقه مسیر عبور جاده قدیمی بر رفت و آمد و جهانی ابریشم بوده که سران معروف جهان برای تصاحب آن جنگ‌های زیادی به راه انداخته‌اند. تاکستان که به سرزمین «تات‌ها» معروف بوده، در گذشته «سیادهن» یا «سیاده» نامیده می‌شد. نام سیادهن روی یکی از کتیبه‌های دوران هخامنشی موسوم به پیوتین‌گرایا حک شده است. این کتیبه که از قدیمی‌ترین اسناد نوشتاری این شهرستان است، به زبان یونانی نوشته شده و هم‌اکنون در موزه شهر وین نگهداری می‌شود. عوامل اقتصادی از جمله آب و هوای مناسب، حاصلخیزی خاک و دسترسی به آب مورد نیاز برای کشاورزی سبب گسترش و توسعه اقتصادی تاکستان شده است. باغ‌های انگور این شهرستان شهرت فراوان دارد و در کنار دشت‌های حاصلخیز علاوه بر جاذبه‌های خاص، کشت انواع محصولات کشاورزی هم در آن انجام می‌گیرد (علی‌محمدی، ۱۳۸۴).

شکل ۱ نقشه استان قزوین - محدوده سکونت تات‌نشین‌ها (تصویر زیرین)



بوبین‌زهر

بوبین‌زهر شهری در بخش مرکزی شهرستان بوبین‌زهر با طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴ دقیقه شرقی و ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه شمالی و در ارتفاع ۱۲۱۰ متری از سطح دریا قرار دارد. آب‌وهوای این منطقه، معتدل مایل به گرم و خشک است. برخی کلمه زهر را تبدیل شده واژه «زرا» از «زر» به معنای مقدس دانسته و بوبین را ترکیبی از «بو» و «بین» به معنای چشمه و خدا می‌دانند که روی هم به معنای «چشمه

شهرستان تاکستان

شهرستان تاکستان بین مدارهای ۴۹ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و مدارهای ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی از استوا واقع شده است. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۱۲۶۵ متر و فاصله شهرستان تا مرکز استان (قزوین) حدود ۴۰ کیلومتر است. که از

خدای مقدس» است برخی دیگر آن را متعلق به الهه آناهیتا و فرشته پاکی و آب‌های روان، می‌دانند. منظور از زهرا، دختر «صاحب‌بری» است که بقعه‌اش را به دخترش بخشید و او هم در آنجا بنایی برقرار کرد. خرابه قلا یا قلعه خرابه و تپه عظیم «برموده» در شمال ابراهیم‌آباد حاکی از تمدنی کهن در این منطقه است. دشت قزوین «دشتابی» رانند و بویین‌زهرا که در جنوب استان قزوین واقع شده است تمدنی بسیار کهن دارند که در لابه‌لای صدها تپه باستانی این منطقه می‌توان تمدن بزرگ و دیرینه‌ای به طول بیش از ۹۰۰۰ سال را مشاهده کرد. بویین‌زهرا در فاصله ۵۰ کیلومتری شهر قزوین قرار گرفته است. در زلزله شهریور ۱۳۴۱ بسیاری از آثار باستانی منطقه از بین رفت. از آثار باقی‌مانده در این منطقه می‌توان به کاروان‌سرای دوره صفویه و برج‌های خرقان اشاره کرد. مردم منطقه به زبان‌های تاتی و آذری سخن می‌گویند.

الموت

منطقه الموت در شمال شهر قزوین، منطقه‌ای است کوهستانی که در میان کوه‌های الموت، طالقان و دره الموت (مسیر الموت‌رود) در بخش کوهستان البرز مرکزی و به موازات کرانه‌های جنوبی دریای خزر، بین ۱۸ تا ۳۶ و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۱۸ تا ۵۱ دقیقه طول شرقی قرار دارد (کاظمی و رکی، ۱۳۸۴). از شمال به غرب مازندران و رامسر (روستای دو هزار و سه‌هزار تنکابن)، از جنوب به کوه‌های طالقان و آبیک، از جنوب غرب به قزوین و از غرب به ابهر و طارم سفلی محدود است دره الموت در تقسیمات جغرافیایی به دو منطقه رودبار الموت و رودبار شهرستان تقسیم شده است. رودبار الموت شامل سه دهستان الموت پایین به مرکزیت روستای زوارک، الموت بالا به مرکزیت روستای مینودشت (شترخان) و معلم کلاویه با مرکزیت معلم کلاویه است و در مجموع ۹۴ روستا با وسعت ۸۸۵ کیلومتر مربع دارد. رودبار شهرستان سه دهستان رودبار شهرستان، رودبار محمد زمان خانی و دستجرد را شامل می‌شود و در مجموع ۹۸ روستا و ۱۲۰ کیلومتر مربع وسعت دارد (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۴). به دلیل موانع طبیعی، وجود کوه‌ها و دور بودن از راه‌های اصلی ارتباطی، این منطقه کمتر تحت نفوذ و اختلاط نژادهای مختلف قرار گرفته و می‌توان گفت نژاد مردم الموت، ایرانی خالص باقی‌مانده است.

مردم الموت به زبان تاتی سخن می‌گویند که از نظر ریشه کلمات بدون در نظر گرفتن تلفظ و گویش با زبان طبری و گیلکی مشابهت دارد (کاظمی، ۱۳۸۳). با توجه به استیلای دیلمیان در الموت در دوره اسلامی ممکن است زبان فعلی الموت، زبان دیلم باشد. از مجموع ۸۹ روستای الموت تنها ۵ روستا به زبان ترکی و به این ترتیب ۸۴ روستا به زبان تاتی تکلم می‌کنند. در بخش رودبار شهرستان از مجموع ۱۰۹ روستا تنها سه روستا به زبان ترکی و تعداد ۱۰۶ روستا به زبان تاتی تکلم می‌کنند که کماکان به فرهنگ اصیل و کهن ایرانی خود پایبندند (کاظمی، ۱۳۸۴). در روستای زیاران مرکز، اهالی روستای زیاران به تاتی تکلم می‌کنند.

دانسفهان

این ناحیه در زبان محلی «دونسبون - دونسوون» خوانده می‌شود. اصل کلمه «دان اسپهان» بوده که بعد از

قرن اول هجری و با گسترش ارتباط اعراب و ایرانیان به صورت دانسفهان درآمده است. این شهر ناحیه‌ای در جنوب و خوزین و غرب قشلاق است که در سی کیلومتری آن و در جنوب کوهپایه‌های رانند واقع شده است. دانسفهان سابق در زلزله سال ۱۳۴۱ خورشیدی به‌طور کامل از بین رفت. شهر امروزی با قدمتی بیش از چهار دهه در فضای کوچک و با فاصله‌ای اندک از دامنه کوه رانند براساس اصول شهرسازی و معماری نوین بنا شده و در سه راهی تقاطع جاده تهران - همدان و زنجان موقعیتی ویژه دارد.

شال

شال که در میان اهالی به «چال» معروف است و ساکنان آن را «چالیج» یعنی اهل چال می‌گویند، در فاصله ۲۵ کیلومتری تاکستان واقع شده است. این ناحیه از سوی شرق به زین‌آباد و شمال به اسفرورین، شمال شرقی به خروزان، شمال غربی به لوشکان، از باختر به یارآباد و از جنوب و جنوب غربی به خوزین و خیارچ محدود است. شال از نظر اقتصادی به واحدهای صنعتی و کوره‌های آجرپزی متکی است و علی‌رغم زبان ترکی مغولی در روستاهای مجاور و فارسی، خوشبختانه مردم همچنان به زبان و فرهنگ اصیل خود پایبندند.

ابراهیم‌آباد

از روستاهای مهم بویین‌زهراست. مردم به لهجه محلی آن را «برموه» یا برموده می‌گویند. اصل کلمه برهرام است. روستا در بیست کیلومتری بویین‌زهرا قرار دارد و از لحاظ گویش با سگزآباد نزدیکی زیادی دارد. روستا در شمال شرقی کوه رانند و در ۵ کیلومتری سگزآباد واقع شده. زبان مردم روستا تاتی است که از زبان‌های کهن این مرز و بوم و بازمانده زبان قدیمی مادهاست.

سگزآباد

سگزآباد در لهجه محلی «سزگوه» خوانده می‌شود و اصل آن «سزگاه‌آوه» به معنای سرزمین خرم از آب بوده است. دهکده از نواحی باستانی با طبیعتی زیبا، چاه‌ها، قنوت، مزارع و باغات فراوان تشکیل شده که روستا را خرم و سرسبز کرده است. روستا در ده کیلومتری بویین‌زهرا و در ارتفاع ۱۲۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. روستا روی بخش غربی مخروط‌افکنه میانی رودخانه حاجی‌عرب قرار گرفته است. مراحل شکل‌گیری و ادامه حیات روستا در کنار رودخانه شکل گرفته به نحوی که کلمه «سوزگاه آوه» هم مبین همین مفهوم است.

خوزین

روستا در فاصله ۸ کیلومتری شهر شال و در شرق خیارچ قرار گرفته است. خوزین در اصل «خوزین» به معنای شن و ماسه است، چرا که خوز به معنای شن و ماسه است و به دلیل شن‌زار بودن خاک منطقه به خوزین شهرت یافته است. خوزین قدیم در زلزله سال ۱۳۴۱ خورشیدی تخریب، و شهر جدید در شمال شرقی دهکده قدیمی در کنار تپه قدیمی موسوم به خوزین تپه، مطابق اصول شهرسازی و مهندسی بنا شده است.

خیارج

خیارج روستایی در جنوب غربی شال و غرب خوزنین و در محدوده بخش رامند در ضلع شمالی جاده ترانزیتی تهران - همدان قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۸۰ متر است. خیارج در زبان محلی «خیاره» خوانده می‌شود که از ریشه اوستایی خور به معنای خوب است. روستا تاریخی باستانی دارد که مردمانش به زبان تاتی تکلم می‌کنند.

بخش اسفرورین

بخش اسفرورین در قسمت شرقی شهرستان تاکستان واقع شده است. ارتفاع متوسط شهر از سطح دریا ۱۲۱۵ متر است. اسفرورین از شمال به روستای شارین و از غرب به روستای قرقسین، از جنوب غرب به روستای لوشکان و جنوب شرقی به شال و از شرق به خروزان محدود می‌شود. این شهر در ۱۶ کیلومتری تاکستان و ۵۰ کیلومتری قزوین واقع شده است. به لحاظ موقعیت منطقه‌ای مهاجران کمتری را پذیرفته، بنابراین عمده ساکنان منطقه بومی هستند و همگی به زبان تاتی و با لهجه اسفرورینی صحبت می‌کنند.

قرقسین

قرقسین با کرگسین روستایی در نزدیکی تاکستان و از توابع دهستان اک در ۵ کیلومتری بخش اسفرورین با اقتصادی بر پایه کشاورزی و دامداری است. مردم روستا علی‌رغم قرار گرفتن در بین روستاهای غیرتات با لهجه اسفرورینی با عشق و علاقه به زبان خود تکلم می‌کنند.

خروزان

این روستای تات‌زبان در دهستان اک از توابع بخش اسفرورین و در ۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر اسفرورین و در ۲۰ کیلومتری تاکستان واقع شده است.

نتیجه‌گیری

استان قزوین، سرزمینی که همواره بسیاری از اقوام ایرانی را در پیوندهای تاریخی در بر گرفته، پایگاهی است که تمدنی چندین هزار ساله را در پهنه خود نهفته دارد. این استان به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی در مسیر شاهراه غرب به شرق و جاده ابریشم در طی قرون متمادی، پیوسته خاستگاه فرهنگ، تمدن و زبان این مرز و بوم بوده است. در دوران تاریخی، سرزمین مزبور جزء ناحیه ماد بزرگ (سفلی) به‌شمار می‌رفته و بین ساکنان نواحی شمالی و شمال‌غربی آن با سرزمین دیلم و منطقه همدان و ری ارتباط و پیوستگی وجود داشته است. مردم ساکن این ناحیه به‌جز آن‌ها که در قسمت رودبار، الموت و کوهپایه می‌زیسته‌اند، دیگران به علت موقعیت خاص جغرافیایی سرزمین خود که در کنار شاهراه‌های عمده قرار داشته‌اند، در معرض حوادث، رویدادهای تاریخی و هجوم گروه‌های مختلف برای استفاده از امکانات این منطقه و بالاخره مسائل سیاسی و اجبار حکومتیان از

نواحی دیگر به این سرزمین آمده و مستقر شده‌اند. به همین جهت است که در حال حاضر ما با ترکیب خاصی از اقوام گوناگون در این ناحیه مواجهیم که در شرایط موجود، می‌توان آن‌ها را به اعتبار زبان، فرهنگ و وابستگی‌شان به ایل یا طایفه خاصی مشخص کرد. این سرزمین در طی سالیان دراز به دلیل آب‌وهوای مناسب و دشت‌های حاصلخیز و وجود دریای کاسپین در شمال و کوه‌های منحصر به فرد پیرامون آن، در گذشته همواره مقصد لشکر کشی، مهاجرت و سیاحت‌گاه خاورشناسان و جهانگردان متعدد بوده است. وجود زبان آریایی و پدیده‌های فرهنگی و تمدن باستانی همچون تپه‌های باستانی پیش از تاریخ و صدها آثار باستانی دیگر در جای‌جای این سرزمین به ویژه در دشت‌های میان دو کهن‌رود اهرورد و خرورد، براساس حفاری‌های علمی باستان‌شناسی در تپه‌های پیش از تاریخ از جمله سیاه‌تپه و تپه‌زاغه سگرآباد که اولی گویای آغاز سکونت و شهرنشینی در شش هزار سال پیش از میلاد و دومی در چهار هزار سال پیش از میلاد است. کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر در تپه شیرز تاکستان با قدمت هفت هزار ساله در جنوب غربی شهر قزوین نیز، گویای وجود تمدن و سکونت دیرینه در این سرزمین است. تاریخ، زبان و فرهنگ تات که به درازای تاریخ، ماده‌های این سرزمین است. چون اصل خود، ناشناخته و مجهول باقی‌مانده است. واژه تات داستان درازی دارد و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی برای آن بیان شده است. دانشمندان ایرانی و بسیاری از شرق‌شناسان درباره ریشه و معانی آن بسیار سخن گفته‌اند. ولی آنچه مسلم است تاتی یک زبان است و اگرچه امروزه از گستردگی آن کاسته شده. اما روزگاری دراز در بسیاری از مناطق پهناور سیطره داشته، و هنوز هم حیات خود را در پهنه این سرزمین ادامه می‌دهد. فرهنگ هر ملتی در آداب و رسوم پیشینیان ریشه دوانیده و شناسایی و معرفی این رسوم و سنت‌ها نقش مهمی در احیای فرهنگ و پایبندی نسل کنونی به فرهنگ ریشه‌دار و اصیل خود ایفا می‌کند. این امر به مفهوم درجا زدن و ماندن در گذشته نیست، بلکه رسیدن به این باور است که ما در گذشته فرهنگ غنی و پیشرویی داشته‌ایم و صد البته به‌جاست که همچون گذشته‌های دور باید بسیار بکوشیم تا همواره پیشتاز میدان ترقی و تمدن باشیم و بدانیم که زبان و گویش، آثار باستانی، بناها، فرهنگ و تمدن، اصل و تبار ماست و چراغ آینده با نفت گذشته می‌سوزد؛ پس در ارج نهادن و ابقای آن سعی وافر داشته باشیم. گویش تاتی تاکستان همچون جزیره‌ای زبانی ساختار قدیمی بسیاری را در خود حفظ کرده است، در حالی که براساس برآورد کارشناسان سازمان ملل ۶۸۰۰ زبان و لهجه بومی جهان تا پایان قرن ۲۱ رو به زوال‌اند. شناخت ویژگی‌های زبان کهن تاتی، یکی از بدیهی‌ترین ضروریات چشم‌انداز زبان مزبور است. زبان تاتی تاکستان به لهجه‌ها اسفرورینی، قرقسینی، شالیف سگرآبادی و ابراهیم‌آبادی و زبان تاتی به لهجه الموتی، رودبار شهرستانی و مراغی در کنار زبان‌های کردی، لری، گیلکی، مازندرانی، لکی، رومانلویی، ترکی و فارسی با لهجه تهرانی و قزوینی، اطلس زبان‌های استان را تشکیل می‌دهند. سابقه سکونت در مناطق تات‌نشین مورد مطالعه براساس کاوش‌های باستان‌شناسی به هفت هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد، اما کاوش‌های زبان‌شناسی، قدمت این زبان را به عصر مادها و حدود سه هزار سال پیش مربوط می‌داند. به نظر می‌رسد ساکنان بومی منطقه با مهاجران آریایی امتزاج یافته و به حیات خود ادامه داده و در دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان حماسه آفریده و بعداً تات خوانده شده‌اند.

زبان تاتی تاکستان به لهجه‌های اسفرورینی، قرقسینی، شالیف
 سگزآبادی و ابراهیم‌آبادی و زبان تاتی به لهجه الموتی، رودبار
 شهرستانی و مراغی در کنار زبان‌های کردی، لری، گیلکی،
 مازندرانی، لکی، رومانلویی، ترکی و فارسی با لهجه
 تهرانی و قزوینی، اطلس زبان‌های استان را
 تشکیل می‌دهند. سابقه سکونت در مناطق
 تات‌نشین مورد مطالعه براساس کاوش‌های
 باستان‌شناسی به هفت‌هزار سال پیش
 از میلاد برمی‌گردد، اما کاوش‌های
 زبان‌شناسی، قدمت این زبان
 را به عصر مادها و حدود
 سه‌هزار سال پیش
 مربوط می‌داند

پی‌نوشت‌ها

1. haning
2. Synthetic
3. Analytic

منابع

۱. آل‌احمد، جلال، (۱۳۳۷). *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*. تهران: امیرکبیر.
۲. بابایی کهن، محمدرضا (۱۳۸۱). *هویت تات‌ها و زبان تاتی*.
۳. بی‌تس، دانیل و پلاک، فرد (۱۳۷۵). *انسان‌شناسی فرهنگی*. مترجم محسن ثلاثی. تهران: سمت.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۵). *لغت‌نامه دهخدا*. انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۵. دیاکونوف، ام. (۱۳۷۱). تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۶. صفوی، کوروش (۱۳۶۷). *پیشینه زبان فارسی*.
۷. رحمانی، ایرج (۱۳۸۱). در رساله بررسی فعل در گویش تاتی تاکستان و تات‌نشین‌های بوبین‌زهرا». رساله کارشناسی ارشد.
۸. حمائی، رضا (۱۳۹۰). تاکستان، شهری به قدمت تاریخ. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۹. رحمانی، مجید (۱۳۸۷). «وضعیت کنونی زبان تاتی در تاکستان و برخی از مناطق اطراف». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی، تاکستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
۱۰. عبدلی، علی (۱۳۸۰). *فرهنگ تطبیقی تالشی - تاتی - آذری*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. عبدلی، علی (۱۳۸۷). «نگاهی به هویت و زبان تاتی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی، تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.

۱۲. علی‌محمدی (۱۳۸۴) سیمای بخش اسفرورین از استان قزوین، حدیث امروز.
۱۳. فرارو، گری پی (۱۳۷۹). *انسان‌شناسی فرهنگی*. مترجم غلامعلی شاملو. تهران: سمت.
۱۴. کاظمی، ایرج (۱۳۸۳). *آشیانه عقاب ایرانگردان*.
۱۵. معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
۱۶. نانل خانلری، پرویز (۱۳۷۱). *تاریخ زبان فارسی*، جلد ۱.
۱۷. نوازی، ب (۱۳۸۶). «بررسی هویت تات‌های ایران». فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۱.
۱۸. یارشاطر، احسان (۱۹۶۹) *دانشنامه ایران اسلام*، ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.